

از اتحاد عمل فعالین جنبش کارگری در ایران حمایت کنیم.

جمعی از کارگران پیشرو تبعیدی در سوییس

نهم بهمن ماه هشتاد و پنج

دوستان، فعالین جنبش کارگری و دانشجویی

کارنامه ننگین و ضدکارگری رژیم اسلامی نشان داده که طی بیست و هفت سال با توصل به کشتار و سرکوب و حشيانه، اجرای ارتجاعی ترین قوانین سرمایه داری توانسته صنایع ایران را به نابودی و تعطیلی بکشاند، کارگران را از ابتداعی ترین حقوق خود محروم نگهداشته و حتی از زیرپوشش قوانین تامین اجتماعی (که در اکثر کشورهای سرمایه داری اجباری است) خارج نماید. خصوصی سازی که موجب تعدیل نیروی کار و اخراج کارگران از کارخانجات و صنایع گردیده را با وقاحت تمام و سپردن کارخانجات بجای مانده از سرمایه داران حکومت فاشیستی شاه (در اصل حاصل غارت و استثمار آن رژیم) به وابستگان مزدوران خود بعنوان انعام در کشتار و حفظ رژیم، با شدت ادامه دارد تا جایی که صنایع بزرگ مانند پتروشیمی، نفت، ذوب آهن و خدمات عمومی حیاتی مثل اتوبوسرانی و شهرداری ها در معرض آن قرار دارند و آنچه که خود تا کنون مشاهده نموده ایم. نتایج فاجعه بار آنرا نیز بدرستی مشاهده نموده ایم بیکاری و فقر روز افزون نابودی صنایع و پراکنده گی هر چه بیشتر جنبش کارگری، عدم امنیت شغلی جوانان ما که به امید دستیابی به علم و دانش روز و آینده ای بهتر با تحمل مشکلات و موانع فراوان وارد دانشگاه میشوند که در شرایط عادی اگر از دست حکومت فاشیستی اسلامی جان سالم بدر برده و فارغ التحصیل شوند با تمام امید و آرزو باید به ارتش بیکاران ملحق شوند به این آمار روزنامه ایسنا توجه کنید.

نرخ اشتغال (نسبت شاغلان به جمعیت فعال) دارندگان تحصیلات عالی در سال های گذشته نه تنها روند افزایشی را تجربه نکرده بلکه این شاخص پس از سال ۷۵ روند کاهش را طی کرده است به طوری که نرخ رشد سالانه بیکاران با تحصیلات عالی سالانه ۱۳/۷۱ درصد رشد داشته اما این رقم برای رشد سالانه شاغلان با تحصیلات عالی ۸/۳۲ درصد بوده است، که این امر موجب شده نرخ بیکاری تحصیل کردگان کشور در سال ۸۳ به ۱۴/۲ درصد برسد در حالی که این رقم در سال ۷۵، تنها چهار درصد بوده است، نرخ اشتغال دارندگان تحصیلات عالی نیز از ۹۶/۳ درصد سال ۷۵ به ۹۰/۸ درصد در سال ۸۳ کاهش یافته است.

حال با توجه به آمار بالای بیکاری در ایران و رقابت برای ماندن و تمام شرایط غیر بشری محیط کار را تحمل کردن به امید داشتن نانی و سرپناهی برای زنده ماندن در شرایط کنونی، کوبیدن بر طبل يك جنگ ارتجاعی و ضد بشری دیگرمانند جنگ ۸ساله از طرف سرمایه جهانی بقصد تسلط کامل بر منطقه و از طرف دیگر حکومت اسلامی با نیت خروج از بحران داخلی که مانند سرطان رهبر و کل تار و پود حکومت اسلامی را فرا گرفته، وظیفه فعالین جنبش کارگری در داخل و خارج از کشور به مراتب خطیرتر است. سالهاست که همه ما بر این نکته تاکید میکنیم که آنروی

سکه سرکوب و انواع سیاست های غیر بشری سیستم سرمایه داری قرار دارد و این روی آن ما و پراکنندگی مان نیز کمک به تثبیت و اجرای آن سیاست های شوم نموده درحالیکه تقریباً همه بنوعی به آن معترف هستیم. آیا این پراکنندگی از عدم آگاهی طبقه کارگران از منافع طبقاتی خود میباشد؟ آیا سرکوب شدید و وحشیانه حکومت فاشیستی عامل آن است؟ آیا سکتاریست و فرقه گرایی در احزاب و سازمانهای سیاسی موجود که هرکدام بخشی از فعالین جنبش کارگری را تحت تاثیر خود دارند دیگر عامل آنست؟ یا

به اعتقاد ما تمام این فاکتورها را باید در نظر داشت و آنها را منطقی ترین عوامل در پراکنندگی موجود دانست که دود آن در درجه اول به چشم کارگران و زحمتکشان، دانشجویان و فعالین جنبش کارگری و دانشجویی در داخل ایران و در درجه دوم خارج از ایران خواهد رفت. ما بر این باور هستیم که سرمایه داری جهانی با تمامی امکانات فراوان آگاهانه به منافع خود برنامه ریزی و اجرا میکند. از چگونگی بهره کشی و سود بیشتر با سرکوب نیروهای آگاه چه با توسل به زور و ترور کشتار به وسیله عوامل سرکوبگر خود مانند پلیس، پاسدار، حزب الله، و باندهای سیاه ترور و مزدور و سرمایه گذاری روی افراد، تا کسانی که برای بدست آوردن پست و مقام و امکاناتی ولو حقیرانه در صفوف فعالین جنبش کارگری و دانشجویی نفوذ نموده و این جنبش ها را با توجیهات متفاوت دودستی تقدیم سرمایه داری نموده تا خود را از فلاکت زندگی کارگران و روشنفکران انقلابی نجات داده و صاحب قدرت و مکنتی شوند که مبادا فردا فرزندانشان کارگر شوند!!!!!! به احزاب و سازمانهای موجود و گذشته آنان نگاه کنید حزب توده چگونه جنبش کارگری و آن همه جانفشانی کارگران متشکل در اتحادیه ها و روشنفکران انقلابی را در سال ۳۲ به دست جلا دان کودتاگر شاه/ آمریکا سپرد و در کشورهای بی اصطلاح سوسیالیستی مسابقه گرفتن امکانات با رقابت در سرسپردگی براه انداخت، سازمان مجاهدین خلق و سازمان فدایی که شاید بتوان بجزات گفت با صداقت و فداکاری بخش زیادی از آبروی ریخته شده جنبش موسوم به چپ و سوسیالیسم را جبران نمودند و اعتماد قابل توجهی از فعالین کارگری دانشجویی را بعنوان يك تشکل توده ای بخود جلب نموده اما متأسفانه اکثریت سازمان فدایی بخاطر گرفتن امکاناتی حقیر، از ارتجاعیترین انسان قرن حاضر یعنی خمینی جلا اسطوره ضد امپریالیست و ضد سرمایه داری ساخته و تا آنجایی پیشرفت که در سرکوب جنبش کارگری و دانشجویی همدست و همراه و در بعضی مواقع راهنمای حکومت فاشیستی اسلامی ایران شدند، بخش اقلیت آن نیز چنان اسیر غرور و فرقه گرایی گردید که عمده نیروی خود را صرف مبارزه با خود و انشعابات متعدد نمود تا جایی که امروز کمترین تاثیری بر جنبش کارگری، روشنفکری ایران ندارند. سازمان مجاهدین خلق نیز با توجه به ماهیت مذهبی و خرده بورژوازی خود در ابتدا به امید گرفتن سهمی از قدرت در حکومت اسلامی از این رژیم ارتجاعی حمایت نموده ولی با ناامید شدن از لطف و عطوفت جلا دان اسلامی با اعلام جنگ مسلحانه جدای از کارگران و زحمتکشان ایران دست به يك تاکتیک غلط زده و این حرکت غلط را با پناه بردن به دیکتاتور دیگری مانند صدام که سرکوب کارگران و زحمتکشان عراق مانند رژیم اسلامی عمل میکرد با توجیه گرفتن امکانات از يك حکومت فاشیستی بر علیه حکومت فاشیستی دیگر کار را بجایی کشاند که بخش عظیمی از هواداران خود را دچار یاس و پاسیفسیم نمود، اما این ماجرا پایانی ندارد و هنوز احزاب و سازمانهایی با ادعای طرفداری از کارگران و زحمتکشان با توجه به درس گیری از گذشته همچنان بقصد گرفتن امکاناتی از سرمایه جهانی برای رسیدن به قدرت استفاده میکنند که نمونه های زیادی وجود دارد حتی با نام دفاع از کارگران و زحمتکشان با

عنوانهای کمونیست کارگری و دمکراتیک و انقلابی .

در این میان نقش سازمانهای جاسوسی سرمایه داری جهانی رو باید در نظر داشت که به این حقیران پناه آورده بخود اعتمادی نداشته و راساً در صدد رهبری جنبش کارگری!!!!!! میباشد و در این رابطه تشکلات مستقیم خود را نیز تشکیل داده که نمونه بسیار مشهور آن سولیداریتی سنتر می باشد. نمونه ای از ماهیت این تشکل را در اینجا می بینیم امیدواریم دوستان برای شناخت هر چه بهتر به مقاله دوست گرامی برهان عظیمی به آدرس زیر مراجعه نمایند. سالیاریتی سنتر در سال ۱۹۹۷ از طرف ا. اف. ال. سی. آی. او. ۱۱* با تلفیق چهار سازمان مرتبط با ا. اف. ال. سی. آی. او. به اصطلاح برای "کمک" به برپائی اتحادیه ها و سندیکاها "کارگری" دوستدار آمریکا، تاسیس گردید. که عبارتند از:

۱- ا. آی. اف. ال. دی.

۲- انیستیتو کارگری آزاد آسیا-آمریکا. ۱۵*

مرکز کارگری آفریقا-آمریکا. ۱۶* ۳-

۴- انستیتو اتحادیه آزاد کارگری. ۱۷*

هدف از ایجاد سالیاریتی سنتر طبق ادعای این مرکز امپریالیستی عبارت از: کمک به ایجاد جنبش جهانی کارگری در زمینه اتحادیه های کارگری دمکراتیک و مستقل، برای تقویت اقتصاد و قدرت سیاسی کارگران بیان شده است. فلسفه برنامه و موجودیت این نهاد دقیقاً بر مبنای همان فلسفه، ان. ئی. دی. و نیز، ا. آی. اف. ال. دی. بنیانگذاری شده است. سالیاریتی سنتر همچون هر نهاد امپریالیستی در حرف خواهان اعطای مشارکت سیاسی به کارگران و اتحادیه های کارگریست و حمایت از منافع آنان را دارد اما، واقعیت آن است که در عمل خواهان ایجاد و توسعه شاخک های استثمار نظام سرمایه داری - امپریالیستی اش در محارزدن به پاگیری جنبش کارگری رادیکال چپ و کمونیستی در کشورهای جهان بخصوص جهان سوم می باشد.

سالیاریتی سنتر به سازمان جاسوسی سی. آی. ا. متصل می باشد. این نهاد در اتحادیه ها و سندیکا های کشورهای جهان سوم خصوصاً بر آموزش کارگران بر مبنای فلسفه ای که در بالا به آن اشاره شد، تاکید خاصی می گذارد. و از طریق عناصر محلل سست عنصر و خود فروش بومی کشورهای جهان سوم شروع به یارگیری و نفوذ در جنبش کارگری برای تطبیق دادن این جنبشها به دنبالچه و پیروی از منافع امپریالیسم آمریکا، را دارد. برای خواندن کامل این مقاله ارزشمند لطفاً به آدرس زیر مراجعه نمایید.

http://www.etehadbinalmelali.com/jonbesh_karegari1.htm

این نمونه کوچکی از فجایعی که بر ما رفته میباشد. در حالیکه ما میدانیم هنوز هستند سازمانها و احزابی که در کنار جنبش کارگری و دانشجویی ما قرار داشته و دارند که این باعث امیدواری است که بتوانند با حفظ شرافت خود با بهره گیری از عنصر تجربه با اشتباهات و انحرافات خود برخورد کرده و جغد شوم فرقه گرایی و سکتاریسم را از پام خود بپراندند. زیرا جنبش کارگری دانشجویی ما به نیروی فراوانی نیاز دارد و هر نیروی متشکل در هر تشکلی با هر نام و نشانی در این روزگار سیاه نخواهد توانست به تنهایی این بار سنگین را به سر منزل مقصود که همانا از نظر ما سوسیالیسم و آزادی است برساند ما بر این اعتقادیم که تنها يك انقلاب با برنامه سوسیالیستی میتواند کارگران و

زحمتکشان و کل بشریت را از چنگال نظام غارتگر و ضد بشری سرمایه داری نجات دهد .

در این میان نقش تك تك انسانهای با این هدف و برنامه نه تنها تاثیر گذار بلکه تعیین کنند میباشد. فعالین جنبش کارگری در داخل کشور با هوشیاری و تکیه به نیروی خود میتوانند در جهت يك اتحاد عمل در جهت پیوند مبارزات کارگری و تشکل یابی کارگران نقش تعیین کننده ای را ایفا کنند، اگر به ۳ سال قبل برگردیم متوجه این نقش خواهیم شد هر چند که حرکت برای تشکل یابی قبلا نیز وجود داشته ولی با اعلام تشکلات مستقل کارگری و دانشجویی مانند کمیته هماهنگی، پیگیری، سندیکای واحد، سندیکای خبازان، اتحاد کمیته های کارگری، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه و ده ها تشکل دیگر نوع حرکت در داخل کشور به مرحله نوینی رسیده هر چند این تشکل ها با انحرافات بعضا جدی که تکرار همان اشتباهات گذشته میباشد روبرو بوده و نتوانسته به رسالتی که بردوش خود دارند عمل کنند ولی توانسته اند جنبش کارگری را از آن رکودی که با آن مواجه بوده نجات داده و این ذهنیت را بوجود آورند که حکومت فاشیستی اسلامی ضربه پذیر و نابود شونده است. کافیسست که ما در این راه از تمام توان خود استفاده نموده امکاناتی برای رساندن صدای خود به تمام کارخانجات و صنایع بوجود آوریم، از منافع شخصی و گروهی خود دست برداشته و در جهت همبستگی کارگران و پیوند زحمتکشان و روشنفکران انقلابی با جنبش کارگری، تقویت تشکلات مستقل کارگری، دانشجویی (از دولت و نهادهای سرمایه داری داخلی و خارجی) و گسترش این تشکلات به سراسر ایران با يك برنامه کلی جهت در هم شکستن قدرت سرمایه داری حاکم بر ایران و مقابله با سرمایه داری جهانی که آنها نیز در آتیه ادامه دهندگان راه شاه و حکومت اسلامی در سرکوب این جنبش خواهند بود. باید وضعیت حساس و خطیر ایران و منطقه را مد نظر داشت آینده گان ما را نخواهند بخشید آغاز بار مسئولیت های خود شانه خالی کنیم. فعالین کارگری و دانشجویی در خارج از کشور نیز به همین اندازه باید در این سمت حرکت نمود ه قدمهای منطقی تری برای اتحاد عمل و پشتیبانی از مبارزات داخل کشور و همچنین رسانیدن صدای این جنبش به گوش جهانیان و اتحادیه های کارگری، سازمانهای حقوق بشری غیر وابسته برداشته و دسیسه های سرمایه داری جهانی مانند سولیداریتی سنتر و پیروان انقلاب به شیوه لهستان را افشا و رسوا نمایند. ما اینجا اعلام آمادگی خود را برای اتحاد عمل با کلیه فعالین جنبش کارگری و دانشجویی در جهت اهداف فوق الذکر اعلام میداریم و امیدواریم بتوانیم با درس آموزی از اشتباهات گذشته خود سهمی در آزادی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران داشته باشیم.

برقرار باد تشکل مستقل کارگران و دانشجویان ایران

نابود باد سرمایه داری در ایران و جهان

پیروز باد انقلاب کارگران و زحمتکشان ایران

جمعی از کارگران پیشرو تبعیدی در سوییس

۲۰۰۷/۱/۲۸